

کتاب دانیال — شماره هفتاد و هفت

گشودن موازات نبوی: ادونتیسیم لائودیکیه‌ای در سال ۱۸۶۳ و نمونه‌شناسی کتاب مقدسی

Jeff Pippenger

2024-02-10

سرکشی ادونتیسیم لائودیکیه‌ای در سال ۱۸۶۳، به وسیله لعنتی که بر بازسازی اریحا اعلام شد، به صورت نمادین پیش‌نموده شده است.

و یوشع در آن زمان ایشان را سوگند داد و گفت: «ملعون باد آن مرد در حضور خداوند که برخیزد و این شهر اریحا را بنا کند؛ بنیاد آن را بر نخست‌زاده خود خواهد نهاد، و در کوچک‌ترین پسرش دروازه‌های آن را برپا خواهد ساخت.» یوشع ۶:۲۶.

سرکشی ادونتیسیم لائودیکیه‌ای در سال ۱۸۶۳، به واسطه رد شدن سنگ زاویه از سوی بنایان، به صورت نمادین به تصویر کشیده شده است.

عیسی^۱ نے اُن سے فرمایا، کیا تم نے کتاب مقدس میں کبھی نہیں پڑھا کہ جس پتھر کو معماروں نے رد کر دیا، وہی کونے کے سرے کا پتھر بن گیا؛ یہ خداوند کی طرف سے ہوا، اور ہماری نگاہ میں عجیب ہے؟ پس میں تم سے کہتا ہوں کہ خدا کی بادشاہی تم سے لے لی جائے گی، اور ایسی قوم کو دے دی جائے گی جو اُس کے پھل لائے۔ متی 21:42، 43.

سرکشی ادونتیسیم لائودیکیه‌ای در سال ۱۸۶۳، به وسیله گوساله زرین هارون نمونه‌سازی شده است.

زیرا به من گفتند: برای ما خدایانی بساز که پیشاپیش ما بروند؛ زیرا این موسی، آن مردی که ما را از سرزمین مصر بیرون آورد، نمی‌دانیم بر او چه واقع شده است. و من به ایشان گفتم: هر که طلا دارد، آن را از خود جدا کند. پس آن را به من دادند؛ آنگاه آن را در آتش افکندم، و این گوساله بیرون آمد. و چون موسی دید که قوم عریان‌اند؛ (زیرا هارون آنان را برای رسوایی‌شان در میان دشمنانشان عریان ساخته بود). خروج ۳۲:۱-۲۵.

سرکشی ادونتیسیم لائودیکیه‌ای در سال ۱۸۶۳ با دو گوساله زرین یربعام به صورت نمادین نشان داده شده است.

اگر این قوم برای گذراندن قریانی‌ها به خانه خداوند در اورشلیم بروند، آنگاه دل این قوم بار دیگر به سوی آقای خویش، یعنی رجب‌عام، پادشاه یهودا، بازخواهد گشت؛ و مرا خواهند کشت و نزد رجب‌عام، پادشاه یهودا، بازخواهند گشت. پس پادشاه مشورت کرد و دو گوساله زرین ساخت، و به ایشان گفت: برای شما بسیار دشوار است که به اورشلیم بروید؛ اینک خدایان تو، ای اسرائیل، که تو را از سرزمین مصر بیرون آوردند. و یکی را در بیت‌ئیل نهاد و دیگری را در دان قرار داد. اول پادشاهان 27:12-29.

تمردُ الأذنتیة اللاودکیة فی عام 1863 قد مثله النبی الذي من یهوذا، الذي مات بین الحمار والأسد.

.Y aconteció que, después que hubo comido pan y después que hubo bebido, él le ensilló el asno, a saber, al profeta que había hecho volver. Y cuando se hubo ido, un león le salió al encuentro en el camino, y le mató; y su cadáver quedó tendido en el camino, y el asno estaba junto a él; y también el león estaba junto al cadáver. 1 Reyes

سرکشی آدونتیسم لائودیکیه‌ای در سال ۱۸۶۳، به واسطهٔ دهمین آزمون اسرائیل باستان که آغازگر سرگردانی ایشان در بیابان بود، نمونهٔ پیشین یافته است.

لیکن جیسا که میں زندہ ہوں، تمام زمین خداوند کے جلال سے بھر جائے گی۔ کیونکہ وہ سب آدمی جنہوں نے میرا جلال، اور میرے وہ معجزات دیکھے جو میں نے مصر اور بیابان میں کیے، اور اب یہ دس بار مجھے آزما چکے ہیں، اور میری آواز نہیں سنی؛ یقیناً وہ اس ملک کو نہ دیکھیں گے جس کی میں نے ان کے باپ دادا سے قسم کھائی تھی، اور نہ ہی ان میں سے کوئی جس نے مجھے غضبناک کیا ہے اسے دیکھے گا۔ لیکن میرا بندہ کالب، چونکہ اُس کے ساتھ ایک اور ہی روح تھی، اور اُس نے پوری طرح میری پیروی کی، اُسے میں اُس ملک میں لے آؤں گا جہاں وہ گیا تھا؛ اور اُس کی نسل اُس پر قبضہ کرے گی۔ گنتی 14:21-23.

رسول پولس نے تعلیم دی:

پس ہمہٴ این امور بر ایشان واقع شد تا نمونه‌ها باشند؛ و برای تنبیہ ما مکتوب گردید، ما کہ پایان‌های عالم بر ما رسیده است. اول قرنیتیان ۱۱:۱۰

در توضیح آن اصل نبوی، خواهر وایت گفت:

«هر یک از انبیای باستانی کمتر برای زمان خود سخن گفتند تا برای زمان ما؛ از این رو نبوت ایشان برای ما نافذ و معتبر است.» و این همه بدیشان به جهت نمونه‌ها واقع شد، و برای تنبیہ ما مکتوب گردید کہ اواخر عالم بر ما رسیده است. 1 Corinthians 10:11. «کہ نہ برای خود، بلکہ برای ما خدمت می‌نمودند در این امور کہ الحال بہ شما اعلام شدہ است، بہ واسطهٴ آنان کہ بہ روح القدس فرستادہ شدہ از آسمان، انجیل را بہ شما بشارت دادند؛ اموری کہ فرشتگان آرزومندند در آن‌ها بنگردند.» Peter 1:12 1....»

«کتاب مقدس گنجینه‌های خود را برای این نسل آخر فراهم آورده و یک‌جا گرد آورده است. همهٔ رویدادهای عظیم و معاملات خطیر تاریخ عهد عتیق در این ایام آخر، در کلیسا تکرار شدہ اند و در حال تکرار شدن هستند.» Selected Messages, book 3, 338, 339.

پیام باران آخر، بنا بر اشعیا، پیامی است؛ زیرا او تصریح می‌کند کہ شریران از شنیدن آن سر باز خواهند زد، و آن پیام را «حکم بر حکم» توصیف می‌کند.

به کہ معرفت را تعلیم خواهد داد؟ و بہ کہ فہم تعلیم را خواهد فہمانید؟ بہ آنان کہ از شیر بازگرفتہ شدہ‌اند و از پستان‌ها جدا گردیدہ‌اند. زیرا حکم باید بر حکم باشد، حکم بر حکم؛ سطر بر سطر، سطر بر سطر؛ اینجا اندکی و آنجا اندکی. زیرا با لب‌های لکنت‌دار و بہ زبانی دیگر با این قوم سخن خواهد گفت. کہ بہ ایشان گفت: این است آرامشی کہ با آن می‌توانید خستہ را آرامش بخشید؛ و این است تازگی و فرح‌بخشی؛ اما نخواستند بشنوند. لیکن کلام خداوند برای ایشان حکم بر حکم شد، حکم بر حکم؛ سطر بر سطر، سطر بر سطر؛ اینجا اندکی و آنجا اندکی؛ تا بروند و از پشت بہ عقب افتند و شکستہ شوند و در دام گرفتار آیند و گرفتہ شوند. اشعیا 28:9-13.

از میان آن شش خطی کہ ہمین اکنون شناسایی کردہ ایم - و البتہ خطوط دیگری نیز هستند کہ بہ آن‌ها اشارہ نکردہ ایم - یکی بر سال 1863 تأکید می‌ورزد، بہ عنوان پایان آزمونی تدریجی کہ بہ سرگردانی در بیابان انجامید. دو خط بر این امر تأکید دارند کہ قومی کہ پیش‌تر اہل عہد بودند کنار گذاشتہ شدند و قومی برگزیدہ جدید جایگزین ایشان گردید. یکی لعنتی را برای بازسازی چیزی مشخص می‌سازد کہ مقصود این بود کہ ویران و متروک، زیر لعنت خدا، بہ همان حال واگذار شود؛ و دیگری لعنتی را برای بازگشتن بہ جایی معین می‌سازد کہ از رفتن بدان منع شدہ بودید. دو خط نیز

نمونه‌هایی از بدل‌های آن دو لوح ده فرمان را فراهم می‌آورند، که نمایانگر دو لوح حقوق بودند.

گوساله‌های زرین هارون و یربعام، نمودار تصویری جعلی از غیرت‌اند که نمایانگر نمودار جعلی ۱۸۶۳ بود. هنگامی که این دو در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، دو شاهد هارون و یربعام تعلیم می‌دهند که دو لوح حقوق، یک لوح را نمایندگی می‌کنند؛ درست به همان‌گونه که دو لوح ده فرمان، یک شریعت خدا را نمایندگی می‌کنند. آنان با هم یک نماد می‌شوند، نمادی که چون در کنار هم نهاده شوند از دو جزء تشکیل شده است. همان پویایی‌های نبوتی دو لوح شریعت خدا در دو لوح حقوق نیز وجود دارد، و جعلیات هارون و یربعام، با هم، به آن پدیده نبوتی می‌پردازند.

پہلی نسل ایڈونٹ ازم کو حرقی ایل کے آٹھویں باب میں مذکور غیرت کی مورت کے ذریعہ ممثل کیا گیا۔ وہ رؤیا جو حرقی ایل کے آٹھویں باب میں چھٹے سال کے چھٹے مہینے کی پانچویں تاریخ کو شروع ہوتی ہے، نویں باب تک جاری رہتی ہے، جہاں ایک لاکھ چوالیس ہزار کی مہر بندی کی تمثیل پیش کی گئی ہے۔ جب سسٹر وائٹ نویں باب کی مہر بندی کی تمثیل پر کلام کرتی ہیں، تو وہ خدا کے کردار کی اُس صفت کو شامل کرتی ہیں جو یہ ظاہر کرتی ہے کہ خدا نافرمانوں کا انصاف تیسری اور چوتھی پشت میں کرتا ہے۔ اس طرح وہ اُس سچائی کو بھی شامل کرتی ہیں جو براہ راست دوسرے حکم کے ساتھ متعلق ہے، اور وہی وہ حکم ہے جو بتوں کی پرستش سے منع کرتا ہے، جیسے ہارون اور یربعام کے سونے کے بچھڑے تھے۔

«او آن مردِ ملبس بہ کتان را کہ دواتِ کاتب بر پهلوی خود داشت، فراخواند؛ و خداوند بہ او گفت: از میان شهر، از میان اورشلیم، عبور کن و بر پیشانی‌های مردانی کہ بہ سبب ہمہ رجاساتی کہ در میان آن واقع می‌شود، آہ می‌کشند و ناله می‌کنند، علامتی بگذار. و بہ دیگران، در حالی کہ من می‌شنیدم، گفت: از پی او در شهر بگذرید و بزید؛ چشمتان شفقت نورزد و ترحم مکنید: پیر و جوان را، دوشیزگان و کودکان و زنان را، یکسرہ بکشید؛ اما بہ ہیچ کس کہ آن علامت بر اوست نزدیک مشوید؛ و از مقدس من آغاز کنید. پس ایشان از پیران پیش خانہ آغاز کردند.»

«عیسی در شرف آن است کہ کرسی رحمتِ قدس آسمانی را ترک گوید تا جامہ‌های انتقام را بر تن کند و خشم خود را در داوری‌ها بر کسانی فرو ریزد کہ بہ نوری کہ خدا بہ ایشان عطا کردہ است پاسخ ندادہ‌اند. "از آنجا کہ حکم عملِ شیرانہ بہ سرعت اجرا نمی‌شود، دل بنی‌آدم بہ تمامی در ایشان بر انجام بدی استوار می‌گردد." بہ جای آنکہ بہ سبب صبر و حلم درازمدتی کہ خداوند نسبت بہ آنان بہ کار بردہ است نرم شوند، آنان کہ نہ از خدا می‌ترسند و نہ حقیقت را دوست می‌دارند، دل‌های خود را در راہ شرارتِ خویش سخت‌تر می‌سازند. اما حتی برای حلم خدا نیز حد و مرزی هست، و بسیاری از این حدود فراتر می‌روند. آنان از حدود فیض گذشتہ‌اند، و از این‌رو خدا باید مداخلہ کند و حرمتِ خویش را اعادہ نماید.»

دربارہٴ اموریان، خداوند فرمود: «در نسل چہارم بہ اینجا بازخواہند گشت، زیرا گناہ اموریان ہنوز بہ کمال نرسیدہ است.» با آنکہ این قوم بہ سبب بت‌پرستی و فساد خویش آشکارا ممتاز بود، ہنوز پیمانہٴ گناہ خود را لبریز نکرده بود، و خدا فرمان نابودی کامل ایشان را صادر نمی‌کرد. مردم می‌بایست قدرت الہی را بہ گونه‌ای آشکار مشاہدہ کنند، تا ہیچ عذری برای ایشان باقی نہماند. آفریدگار رحیم مایل بود تا نسل چہارم بر گناہ ایشان شکیبایی ورزد. سپس، اگر ہیچ دگرگونی رو بہ بہبودی دیدہ نمی‌شد، داوری‌های او بر آنان فرود می‌آمد.

«با دقتی خطاناپذیر، آن وجود نامتناہی ہمچنان با ہمہٴ ملت‌ها حسابی نگاہ می‌دارد. تا هنگامی کہ رحمت او یا دعوت‌ها بہ توبہ عرضہ می‌شود، این حساب باز خواہد ماند؛ اما چون ارقام بہ حد معینی برسد کہ خدا آن را مقرر کردہ است، خدمتِ خشم او آغاز می‌گردد. حساب بستہ می‌شود. شکیبایی الہی پایان می‌پذیرد. دیگر ہیچ التماس رحمتی بہ سود ایشان نخواہد بود.»

نبی نے زمانوں پر نظر ڈالتے ہوئے اس وقت کو اپنے رویا کے سامنے حاضر دیکھا۔ اس زمانہ کی قومیں بے مثال رحمتوں کی وارث رہی ہیں۔ آسمان کی برکات میں سے بہترین برکتیں انہیں عطا کی گئی ہیں، لیکن بڑھتا ہوا تکبر، لالچ، بت پرستی، خدا کی تحقیر، اور پست ناشکری ان کے خلاف قلم بند ہیں۔ وہ تیزی سے خدا کے ساتھ اپنا حساب بند کر رہی ہیں۔

«اما آنچه مرا به لرزه می افکند این واقعیت است که کسانی که از بیشترین نور و امتیازات برخوردار بوده اند، به ناپاکی رایج آلوده شده اند. بسیاری، حتی از میان آنان که به حقیقت اقرار می کنند، تحت تأثیر ناراستکاران پیرامون خود، سرد شده اند و به وسیله جریان نیرومند شر فروکوبیده می شوند. تمسخر فراگیری که بر پارسیایی و قدوسیّت راستین روا داشته می شود، سبب می گردد کسانی که با خدا پیوندی نزدیک ندارند، حرمت خود را نسبت به شریعت او از دست بدهند. اگر آنان از نور پیروی می کردند و از صمیم دل مطیع حقیقت بودند، این شریعت مقدس، هنگامی که بدین سان خوار شمرده و کنار گذاشته می شود، در نظر ایشان حتی گرانباتر می نمود. هرچه بی حرمتی نسبت به شریعت خدا آشکارتر می گردد، خط تمایز میان نگاه داران آن و جهان مشخص تر می شود. محبت به فرامین الهی در یک گروه، به همان نسبت افزایش می یابد که تحقیر آن در گروهی دیگر افزایش می گیرد.»

«بحران به سرعت نزدیک می شود. ارقام به شتاب فزاینده نشان می دهد که زمان بازدید خداوند تقریباً فرارسیده است. هرچند او به مجازات کردن مایل نیست، با این همه مجازات خواهد کرد، و آن هم به زودی. آنان که در نور گام برمی دارند، نشانه های خطر نزدیک شونده را خواهند دید؛ اما نباید در آرامش و بی اعتنائی بنشینند و در انتظار ویرانی بمانند، و خود را با این باور تسلی دهند که خدا در روز بازدید، قوم خود را پناه خواهد داد. هرگز چنین نیست. آنان باید دریابند که وظیفه ایشان است که با کوششی پیگیر برای نجات دیگران کار کنند و با ایمانی استوار برای یاری به خدا بنگرند. «دعای مؤثر و پرحرارت مرد عادل، بسیار اثر می بخشد.»

«خمیرمایه دینداری یکسره قدرت خود را از دست نداده است. در زمانی که خطر و افسردگی کلیسا به اوج خود می رسد، آن گروه کوچک که در نور ایستاده اند، برای مکروهاتی که در سرزمین به جا آورده می شود، آه و ناله خواهند کرد. اما به ویژه دعاها و ایشان به خاطر کلیسا برخوایند، خاست، زیرا اعضای آن به شیوه جهان رفتار می کنند.»

«دعاهاى fervent این اندک وفادار بیهوده نخواهد بود. هنگامی که خداوند به عنوان انتقام گیرنده ظاهر شود، همچنین به عنوان محافظ همه کسانی خواهد آمد که ایمان را در پاکی آن حفظ کرده و خویشتن را از آلودگی جهان بی لکه نگاه داشته اند. در همین زمان است که خدا وعده داده است از برگزیدگان خود که شب و روز نزد او فریاد برمی آورند، هرچند مدتی در حق ایشان درنگ کند، انتقام بگیرد.»

«دستور این است: «از میان شهر، از میان اورشلیم بگذر، و بر پیشانی های مردانی که برای همه رجاساتی که در میان آن به عمل می آید، آه می کشند و فریاد برمی آورند، نشانی بگذار.» این آه کشان و فریادکنندگان، کلمات حیات را عرضه می داشتند؛ توبیخ می کردند، پند می دادند، و التماس می نمودند. برخی که خدا را بی حرمت ساخته بودند، توبه کردند و دل های خود را در حضور او فروتن ساختند. اما جلال خداوند از اسرائیل رخت بر بسته بود؛ و هرچند بسیاری هنوز به صورت های ظاهری دیانت ادامه می دادند، قدرت و حضور او مفقود بود.» شهادت ها، جلد ۵، ۲۰۷-۲۱۰.

برای آن که رؤیای مہر شدن، آن گونه که حزقیال آن را بیان کرده است، به درستی تقسیم گردد، ضروری است که چهار نسل ادونتیسیم شناخته شود. خواهر وایت متن برگزیده ما را با اشاره ای مستقیم به باب نهم حزقیال آغاز می کند، و بخشی که ما برگزیده ایم نیز با ارجاعی مستقیم به باب نهم حزقیال پایان

می‌یابد. او در آن متن دربارهٔ حزقیال می‌گوید: «نبی، در حالی که در امتداد اعصار می‌نگریست، این زمان را در برابر رؤیای خود مشاهده کرد.» حزقیال اوضاع و احوالی را دید که در هنگام مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار تن در جریان است.

در مقالهٔ پیشین، با استناد به سه فراز مشخص از روح نبوت نشان دادیم که «میگساران افرایم» در نبوت اشعیا، که در این فراز به‌عنوان «مشایخ» معرفی شده‌اند و در هر دو فراز نمایندهٔ رهبری اورشلیم (ادونتیسیم) هستند، نمی‌توانند ببینند که قرار است ظهوری عظیم از قدرت خدا همچون سال‌های پیشین پدید آید. در این فراز، همان ظهور قدرت خدا که آنان از دیدن آن سر باز می‌زنند، به‌عنوان بخشی از داوری الهی که بر ایشان وارد می‌شود، واقع خواهد شد؛ زیرا گفته شده است که «مردم می‌بایست قدرت الهی را به‌طرزی آشکار مشاهده کنند، تا برای ایشان هیچ عذری باقی نماند.»

ادونتیسیم لائودیکیه از دیدن ظهور باران آخر که از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز به باریدن کرد، سر باز می‌زند؛ اما هنگامی که پیام ندای نیمه‌شب در ایام آخر تکرار شود، اوج آن بارش را خواهند دید. آن پیام، اسلام وای سوم است. آیا رهبری اسرائیل باستان، که به‌تازگی مسیح خود را مصلوب کرده بودند، نریستند که روح‌القدس در پنطیکاست فرو ریخته شد؟

این بخش، کلیسا را شناسایی می‌کند که بنا بر سیاق، حزقیال آن را به‌صورت اورشلیم نمایان می‌سازد؛ و اعضای درون کلیسا (اورشلیم) با «گروهی کوچک» در تقابل قرار داده می‌شوند، که آنان نیز همان کسانی معرفی می‌شوند که «در نور سلوک می‌کنند» و «اندک امین» هستند. کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که «بسیاران» خوانده می‌شوند، اما «اندکان» برگزیده می‌گردند. موضوع این بخش، غضب خدا را نیز در بر می‌گیرد که بر قوم او فرود آورده می‌شود. قوم، داوری خویش را بر خود آورده‌اند، اما خدا به‌طور مشخص تأکید می‌کند که این فرشتگان او هستند که کار هلاکت را به انجام می‌رسانند. خدا هرگز دروغ نمی‌گوید، و او وعده داده است که این خود اوست که گناه مردمان را تا پشت سوم و چهارم تفقد می‌کند. نسبت دادن اجرای داوری به هر کسی جز خدا، انکار شخصیت اوست و دلالت بر آن دارد که او دروغ‌گوست.

به عبارت واضح‌تری به که جب حزقی ایل کے ہلاک کرنے والے فرشتے یروشلم میں گزرنا شروع کرتے ہیں، تو اُسی وقت "اُس کے غضب کی خدمت شروع ہوتی ہے۔" خدا کا غضب یروشلم سے شروع ہوتا ہے، جو اُس کی کلیسیا ہے، یعنی لائودیکیه ادونٹزم۔

زیرا وقت آن رسیده است که داوری از خانهٔ خدا آغاز شود؛ و اگر نخست از ما آغاز گردد، فرجام آنان که از انجیل خدا اطاعت نمی‌کنند چه خواهد بود؟ اول پطرس ۱۷:۴

غضبُ خدا به‌وسیلهٔ فرشتگان خدا به انجام می‌رسد، و هنگامی که کار ایشان آغاز می‌شود، به آنان فرمان داده می‌شود که «بزنید»، همگان را، و «چشم شما شفقت نکند، و ترحم ننمایید: پیر و جوان، دوشیزگان و کودکان خردسال و زنان را به‌کلی بکشید؛ اما به هیچ مردی که نشان بر اوست نزدیک مشوید؛ و از مقدس من آغاز کنید.» غضب خدا به‌دست فرشتگان مقدس اجرا می‌شود، و نکته‌ای که در اینجا می‌خواهیم معین سازیم این است که آغاز خدمت غضب خدا در نسل چهارم به انجام می‌رسد.

مور به دا مطالعه په راتلونکې لیکنه کې دوام ورکړو.

و در روز قربانی خداوند واقع خواهد شد که من بر سروران، و پسران پادشاه، و بر همهٔ آنان که جامه بیگانه در بر کرده‌اند، عقوبت خواهم آورد. و در همان روز، بر همهٔ کسانی که از آستانه می‌جهند، که خانه‌های سروران خویش را از ظلم و فریب پر می‌سازند، عقوبت خواهم آورد. و در آن روز واقع خواهد شد، خداوند می‌گوید، که از دروازهٔ ماهی، صدای فریاد برخاود خاست، و از محلهٔ دوم شیون، و از تپه‌ها شکستنی عظیم. ای ساکنان مکتیش، زاری کنید، زیرا تمامی قوم

بازرگان نابود شده‌اند؛ همهٔ حاملان نقره منقطع گردیده‌اند. و در آن زمان واقع خواهد شد که اورشلیم را با چراغ‌ها تفتیش خواهیم کرد، و مردانی را که بر درد خویش آرام گرفته‌اند مجازات خواهیم نمود؛ آنان که در دل خود می‌گویند: خداوند نه نیکی خواهد کرد و نه بدی. صفیا ۸: ۱۲-۱۳